

بسی تو که کمال مرور است بصفتی که در معلوم و در اول اهل البیت مشهور است
مرا از کتب معتبره را یعنی در اول فضل خیرین سره است و در اول اذنا صاف
فقیه بر نهیب کسی که جز است عمل با عباد خرابه در اول اهل کمال اذنا
سراطیت و فقیه جز است تمام شرط خیرین سره بود اعمات المؤمنین صلوات
کاشانه یا اثر از است از زهد که اختیار کرد در بار اول بعد که می جدید بر بنده زین
و در است ای اولاد نبی اولاد نبی اولاد نبی اولاد نبی اولاد نبی اولاد نبی
مولای نبی نیز درین اولاد نبی اولاد نبی اولاد نبی اولاد نبی اولاد نبی
جز اهل البیت که بدل از خیر خود در عینا باشد با عطف جان ازین خیر محض
خانه که بدل از کل از خیر مستقیم بود است که اگر بر بنده خیر محض باشد و در
پای خیر صلوات صبر علی باشد محبت که یکی بی معاذ جز از بار است محلو بود
بود یاد از در آمد محلو کفایت با نقول فیما اهل البیت فقال ما نقول بر طین عین
الاحر و غرت فی شجرة البقرة و مع ما لا راسه قبل نفوح من الاثر کماله
و غیره نقول نقول العلو و علی ان زینما فی فضلک فکذا الفضل زابرا و زودا
دست اللطائف بعض الظواهر ان قال بعض الناس فارما کان مسلط علیها
الولع الحقیقی علیک ان تصاعفنا اهل البیت فقال انما نقول علی اهل البیت
الطیبین و الطاهرین با بدانت کرد در کیفیت صلوة اها دینت شهنوعه و صفا
مختلفه و در دینت کما و بلند استیح علی الدین و امام نوری فرموده فی فضل
اکت که جمع نماید میان طرق اها دینت مذکور که از آن جهت است
بسی انفاظ داده را امام باوند که بنده اللهم صل علی محمد و علیک و بر اولاد
النبی الامی و علی آل محمد و اولاد اعمات المؤمنین و در سینه و اهل سینه صلوات

عابراهم

عابراهم و با کمال علی ابراهیم و با کمال علی محمد النبی اللوحی و علی آل محمد و اولاد
و ذریه کما باریک علی ابراهیم و علی آل ابراهیم بنده العالمین و کما محمد
با سید الامام در دو جانب تو در زبان مات من در سال صبح
شام نزدیک تو صبح فرستیم باز دور و دیت ما همین صلوات
و السلام **عن الصادق علیه السلام** قال انزل الله المقرب
عندک یوم القیمة **ق** جیت له شفا عتی **ع** انزل فرود
آنرا یعنی در سینه بر او می کمال و سبط طاری مرور است از روغین
نایت رهم که در سوال خدا فرموده است که هر که صلوة در دو روز بگذرد
العلیه و سب که در روزها با زود آرزو را در نشکانه و مکالمه نزدیک
بود این شرف است صاحب آن مکالمه از تو پس لفظ مقرب است مقرب
در دو صفت مکان بمقرب نزد خدا از تسبیح و صفت مکان است بوصف سخن
یا بصفت مکان برای سالیفت چنانکه در قول حق تو لا و هم عذاب الیم
معلم یعنی اللام گفته اند و کتب که اسم مکان باشد ای مکان که در کتب نوب
و قرب است نزد خدا یعنی که مقرب است از قول حق تو لا و معبود
عنه ملک مقرب یعنی آن مکان را مقرب تمام محمد است و قبل مکان چنانکه
ان کفرت است بر عیسی با بر کس و نقول رسول خدا را و مقام است چنانکه
جلوس شفاعت و در قوف بر همین مکان حیف لعین الاولون و الاخرین
دوم مقام است و منزله است در جهت کلامت از بنده داده و داده مقام دوم
السبب و در مقام اول از راه دیت مذکور در کیفیت صلوة معلوم می شود
که اضافت لفظ آل بر خیر نبی باشد و بعد از آن اضافت جبار است

۱۵۸